

## رفاندوم نه ، انقلاب آری !

بورژوازی داخلی و بین‌المللی از همان لحظه - ای که این بحران آغاز به پیدایش نهاد، تلاش وسیعی را برای مهار آن سازمان دادند و تاکتیک‌ها و شعارهای جدیدی را درستور کار قرار دادند. پدیده خاتمی و شعار اصلاحات، بیان این تاکتیک‌ها و شعارها در مراحل آغازین بحران بود. بورژوازی تمام قدرت‌بین‌المللی خود را به کار گرفت تا توده‌های مردم ایران یا لاقل بخش وسیعی از آنها را مت怯عده سازد که "اصلاحات" در ایران آغاز شده است. جمهوری اسلامی ظرفیت تطبیق با شرایط نوین را از طبق اصلاحات درونی دارد و "اصلاح طلبان" درون حاکمیت به رهبری خاتمی قادرند، برنا بسامانی‌های موجود فائق آیند. چنان غوغایی برپا کردند که حتا برخی سازمانها و گروههایی که ادعای چپ و سوسیالیست بودن داشتند به صفت "اصلاح طلبان" طرفدار خاتمی پیوستند. سیل سرمایه بین‌المللی به ایران سرازیر شد و قراردادهای چندین میلیاردی امضا گردید تا بحران اقتصادی مهار شود. چند روزنامه و نشریه هم اجازه

صفحه ۳

به همراه عمیق‌تر شدن بحران سیاسی در ایران، شعار رفاندوم به یکی از شعارهای اصلی سازمان‌ها و گروه‌های مختلف بورژوازی تبدیل شده است. طیف گسترده‌ای از بورژوازی سلطنت طلب گرفته تاباً اصطلاح جمهوری خواه و از ملی- مذهبی‌های حول و حوش دستگاه حاکمه تاگرده‌های هم مرز آن در درون حاکمیت به همراه "چپ‌های" لیبرال، یک صداشوار رفاندوم را سر می‌دهند. ترکیب نیروها و صف آرایی سیاسی حول این شعار، به قدر کافی روشنگر معنا و مضمون واقعی این شعارهست. اما تنها در پرتو شرایط سیاسی موجود و چشم‌انداز تحول اوضاع است که هدف آن کاملاً بر می‌گردد.

چنین به نظر می‌رسد که دیگر نیازی به اثبات عمق و وسعت بحران سیاسی موجود در ایران نیست. امروزه مگان این بحران را پیش فرض هر اظهار نظری درمورد اوضاع سیاسی ایران می‌دانند. این واقعیت چنان آشکار است که بورژوازی ایران در کلیت خود، این راهم پذیرفته است که در "لبه پرتابه" قرار گرفته است، پنهان نمی‌سازند. اسلامی دیگر امکان دوام و بقاء نخواهد داشت.

## پیش به سوی اتحاد

### و اعتصاب سراسری

در حالی که پاسداران نظم موجود، تمام ظرفیت‌ها و استعدادهای خوبی را برای حفظ و تداوم این نظام به کار بسته‌اند و برای تامین ثبات و امنیت رژیم حاکم به سرکوب و به بیدادگری خشنتر و عربان‌تری روی آورده‌اند، اما باز هم در تامین این هدف‌دیرینه، همچنان ناکام‌مانده و هر روزی که می‌گزند، نه فقط درجه‌ی احتمال تامین موقعی و حتا میان مدت‌چنین نظام و آرامشی بسیار بسیار کاوش می‌یابد و به نقطه صفر نزدیک‌تر می‌شود، بلکه اکنون کار به جایی رسیده است که فروپاشی کلیات این نظام و رد زبان حتا پاسداران این نظام و حتا پروپا قرص ترین آنان نیز قرار گرفته است، به نحوی که "ازگسل" "زیر پای مسئلان" و "فاجعه هولناکی" که فقط در اثر یک "لرزه" ایجاد خواهد شد سخن می‌گویند و نگرانی خوبی از فروپاشی این نظام را که در "لبه پرتابه" قرار گرفته است، پنهان نمی‌سازند. معضل کنونی یا مشخصه حکومت‌اسلامی در لحظه فعلی، فقط این نیست که این حکومت به بن بست کامل رسیده است، مسئله مهم این است که حکومت‌اسلامی در لحظه کنونی و در کلیت خود، بسیار بسیار راحتاً در مقایسه با یک سال قبل، ضعیف‌تر و ضربه‌پذیرتر شده است، حتا می‌توان گفت که رژیم حاکم، یکی از ضعیف‌ترین و شکنندۀ ترین مراحل حیات خود را دارد از سر می‌گذراند. فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر روی اقتدار زحمتکش، بیش از پیش تشید شده است. دامنه نارضایتی در میان کارگران و زحمتکشان و سایر اقتدار محروم جامعه بسیار بالاست. در عین حال بیداری و آگاهی سیاسی در میان این لایه‌های اجتماعی و روی آوری آنان به مبارزه مستقیم و علنی علیه رژیم، به سرعت در حال افزایش است. جنبش‌های اعتراضی توده‌های باتمام و فراز و فرودهای آن، درحال رشد و گسترش است و دارد به مراحل عمق یافته تری ارتقاء می‌یابد. از سوی دیگر بحران‌های سیاسی و اقتصادی ژرف‌تر و عمیق‌تر شده است. منازعات درونی هیئت‌حاکم و تلاطم‌های شدید سیاسی، جامعه را به استانه دگرگونی - های جدی و اساسی کشانده و قیام و انقلاب را در دستور کار طبقات و اقتدار تحتانی جامعه قرار داده است.

صفحه ۲

## در این شماره

- ۸ بنیاد گرایی مذهبی و جنگ
- ۵ «چه باید کرد؟»
- ۷ خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان
- ۲ اخباری از ایران

**پیش به سوی اتحاد****و****اعتصاب سراسری****أخباری از ایوان****\* تجمع اعتراضی کارگران الیاف**

روز دوشنبه یازدهم آذرماه، کارگران الیاف خراسان، در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت حقوق، دست به تجمع اعتراضی زدند و جاده مشهد-شیروان را مسدود ساختند. به دنبال اعتراض کارگران، فرمانداری و پرسنل دیگر از مسئولین دولتی و نیز نیروهای انتظامی در محل حاضر شدند و به کارگران و عده داده شد که به خواسته‌ای آنان رسیدگی خواهد شد.

**\* تجمع اعتراضی کارگران نساجی**

روز دوشنبه ۱۸ آذر بیش از ۱۵۰ تن از کارگران کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خوبی و برای پایان دادن به بالاتکلیفی خود، در محل خانه کارگر مازندران دست به تجمع اعتراضی زدند. در این اجتماع اعتراضی، کارگران مخالفت خود را با تعطیل کارخانه نساجی اعلام کرده و خواستار پرداخت ۵ ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

**\* اعتضاب کارگران کارخانه قند**

روز سه شنبه ۱۹ آذر، بیش از ۴۰۰ تن از کارگران کارخانه قند میاندوآب در اعتراض به عدم اجرای واقعی طرح طبقه بندی مشاغل، دست به اعتضاب زدند. مسئولین کارخانه در مورد طرح طبقه بندی مشاغل، سوابق سنوات و سختی کار را در نظر نگرفته اند و حق کارگران را پایمال نموده‌اند. به دنبال این اعتضاب، فرماندار میاندوآب در جمع کارگران حاضر شدو قول‌هایی به کارگران داده شد.

**\* اعتضاب کارگران****دوچرخه سازی فوجان**

بیش از ۲۰۰ تن از کارگران مجتمع دوچرخه سازی قوچان دست به اعتضاب زدند و با تجمع در محل کارخانه، خواستار تغییر مدیریت و جلوگیری از اخراج کارگران شدند. گفته شده است که تا آخر سال جاری، ۳۰ تن از کارگران اخراج خواهند شد. در جریان این اعتضاب که بیش از یک هفته ادامه داشت، کارگران تهدید کردند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود، در روز های آینده همراه با اعضاء خانواده های خود، تحصن و تجمع را به داخل شهر خواهند کشاند. فرماندار و سایر مسئولین محلی، خواستار پایان اعتضاب و تحصن و فرصت یک ماهه برای حل مشکلات کارگران این مجتمع شدند.

**\* تجمع اعتراضی در برابر اداره کار**

روز جمعه ۱۶ آذر، صدها تن از کارگران شرکت‌های مختلف وابسته به بنیاد مستضعفان در

باتوم و شلیک هواپی و امثال آن، این بار چند نارنجک نیز به میان جمعیت پرتاب کردند و سپس اعتراض کنندگان را وحشیانه مورد یورش و ضرب و شتم قرار دارند.

در همین فاصله کوتاهی که از موج جدید اعتراضات دانشجویی گذشتہ است، چندین اعتضاب و اجتماع اعتراضی کارگرانی نیز برپا شده است. گرچه تلاش زیادی به کار می‌رود تا اعتراضات و اجتماعات کارگری درساخه قرار بگیرد، معهذا اخبار جسته و گریخته حاکی ازان است که هزاران کارگر در شهرها و استانهای مختلف کشور دست به اعتضاب و اعتراض زده و اجتماعات اعتراضی برپا کرده‌اند. در همان روز ۱۶ آذرهم جمع زیادی از کارگران در تهران در برابر اداره کاردست به تجمع و اعتراض زدند.

با وجود آن که این بار حکومت اسلامی در مقابل این اعتراضات به سرعت از خود عکس العمل نشان داد و نیروهای سرکوب، قبل از آن که دیر شده باشد، با هجوم وحشیانه این اجتماعات و اعتسابات را سرکوب کردند، اما این ددمنشی‌ها همان طور که در گذشته به جایی نرسیده است این بار و در آینده نیز به جایی نخواهد رسید و جلوی جنبش‌های اعتراضی توده - ای را که سرمنشاء آن به نارضایتی عمیق توده‌ها از وضعیت و شرایط موجود برسمی گردد و بریست شرایط سیاسی - اقتصادی معنی شکل می‌گیرد، نخواهد گرفت. به رغم این وحشی‌گریها، جنبش‌های اعتضابی باز تولید می‌شود و از همین مطالبات امروز این جنبش‌ها نیز می‌توان به این مسئله پی‌برد، که جنبش‌های اعتراضی توده‌ای باختصار شوند تا در عین حال پررنگ تر و پر قوت تری پا به میدان خواهند گذاشت.

هم کارگران، هم معلمان و هم دانشجویان تجارب سال گذشته و سالهای گذشته را را با خود دارند. هنوز شعار کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد! که در اعتضاب سراسری سال گذشته معلمین مرتبتکار می‌شد فراموش نشده است. هنوز اجتماع اعتراضی مشترک کارگران و معلمان در بهمن ماه سال گذشته در برابر مجلس و حمایت انبیوه دانشجویان و دانش آموزان از این اجتماع اعتراضی و راهپیمایی و تظاهرات مشترک این نیروها؛ از یاد نرفته است.

از این تجارب و تجارب اعتضابات و اجتماعات اخیر باید آموخت. هر فعال جنبش کارگری، هر نیروی آگاه انقلابی باستی این مسئله را به تجربه دریافت که ضربه پذیری اعتضابات و اعتضابات پراکنده، مجرزا و بدون پیوند با یکدیگر بسیار بالاست و به رژیم امکان می‌دهد که این اعتضابات و اعتضابات را به آسانی سرکوب کند. اتحاد مبارزات کارگران سراسری شدن این اعتضابات و اعتضابات نه فقط قدرت نیروی اعتراض و نیروی راکه خواهان تغییر و انقلاب است آشکارا بالا می‌برد، بلکه از قدرت نیروی که خواهان حفظ وضعیت موجود است واز قادر مقابله رژیم به شدت می‌کاهد و در عین حال امكان گذار جنبش های اعتراضی توده‌ای به مراحل عالی تر را فراهم می‌سازد. پس پیش به سوی پیش اتحاد، به سوی اعتراض و اعتضاب‌سازی!

بیشتر از یک‌ماه است که اعتضابات و اعتضابات سرکوب‌ها و بگیر و ببندها، بلاوقه ادامه دارد و سرتاسر ایران به عرصه مبارزات و اعتضابات دانشجویی علیه وضعیت موجود و عليه رژیم تبدیل شده است. سه سال بعد از جنبش اعتراضی دانشجویان در تیرماه ۷۸، این جنبش به سرعت دارد مراحل پیشرفت و تکاملی خود را به ویژه در زمینه استقلال کامل از تشکل‌های دولتی، طی می‌کند و مرزهای گذشته را پشت سرمی‌گذارد. امروز هر دانشجویی اگاه و مبارزی این را می‌داند که پیشرفت جنبش اعتراضی دانشجویی، در گرو تعمیق و گسترش آن است و لازمه این گسترش و تعمیق، شکست حصارهای داشت - گاه و بینند آن به میان سایر اقسام رژیونکش و پیوند زدن آن با جنبش‌های اعتراضی این افتخار است. رژیم حاکم نیز سال ۷۸ را تجربه کرد هاست و عواقبیک چنین اتحاد و پیوندی را خوب می‌داند. ببهوده نیست که در تمام طول مبارزات اعتراضی اخیر دانشجویان، دستگاه حکومتی و انواع جیره خواران آن برای محصور ساختن اعتضابات دانشجویی در داخل سالن‌ها و چهار دیواری داشگاه‌ها حداکثر تلاش خود را به کار بستند تا از خیابانی شدن این اعتضابات جلوگیری کنند و مانع پیوستن سایر اقسام مردم نارضی به این مبارزات اعتراضی شوند تا در عین حال بتوانند با سهولت بینتری آن را سرکوب و خاموش سازند.

اگر چه رژیم اسلامی، خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب و ارعب را علیه اعتراض کنندگان به کار بست، اما این اقدامات هیچ تاثیری در ساختارهای زمینه‌های بروز چنین اعتضاباتی نداشته و نخواهد داشت. اجتماع اعتراضی معلمان و فرهنگیان تهران گواه این حقیقت است.

صبح روز جمعه ۲۲ آذر، پس از آن که دونلت، با برپایی اجتماع معلمین در سالن ورزشی حیدریان مخالفت نمود، صدها تن از معلمین و فرهنگیان تهران، در خیابان‌های حافظ و انقلاب تجمع کردند و سپس به راه پیمایی و تظاهرات دست زدند. در جریان راهپیمایی، طبق معمول شمار زیادی از جوانان و سایر اقسام مردم به صفت تظاهر - کنندگان پیوستند. معلمان نیز مطالبات سیاسی و صنفی خود را طی شعارهایی بیان می‌کردند و خواستار ازادی زندانیان سیاسی، استعفای " حاجی" وزیر امورش و پرورش شدند و با سردادن شعار معلم اتحاد اتحاد! معلم اعتماد اعتصاب اعتصاب! معلم، دانشجو اتحاد! معلمان و دانشجویان را به اتحاد و اعتضاب و تداوم مبارزه دعوت نمودند. نیروهای سرکوب حکومت اسلامی، برای قلع و قمع اعتراض کنندگان، علاوه بر شیوه‌ها و ابزار - هایی که در جریان سرکوب دانشجویان از آنها استفاده کرده بودند، از قبیل، پرتاب گاز اشک‌آور، پرتاب گاز تهوع‌آور، پاشیدن اسپری روی صورت اعتراض کنندگان، ادم ریایی، حمله باندهای سیاه با چاقو و کارد و قمه و سایر سلاح‌های سرد، استفاده از

کارگر و توده های زحمتکش و ستمدیده است تضمینیست بر تحقق مطالبات آنها؟ بهاین دلیل ساده که تنها در جریان انقلاب است که توده های کارگر و زحمتکش می توانند به فرمانروایان واقعی جامعه تبدیل شوند و تنها از آن رومی توانند چنین کنند که با تکرار عمل را در دست خود گرفته اند.

اگر قرار است جمهوری اسلامی سرنگون شود و این خواستاکثریت بسیار عظیم مردم ایران است و اگر این سرنگونی باید به نحوی پاشد که مطالبات عموم مردم ایران از کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان تحقق یابد، در آن صورت روشن است که تنها توده مردم، زنان و مردان کارگر و زحمت کش و جوانانی که فرزندان آن ها هستند، قادر و توان این سرنگونی را دارا هستند. اما این قدرت باید در جایی نمود مادی پیدا کند. این نمود در مبارزه است. مبارزه نیز بی شکل نیست، بلکه اشکال مختلفی به خود می کیرد. بسته به این که در هر جامعه ای کدام طبقه نیروی اصلی حامل دگرگونی است، شکل های خاصی از مبارزه، عمد و مسلط است. طبقه کارگر نیز اشکال مبارزاتی خاص و مختص خویش را دارد. در دوره های انقلابی که مسئله انقلاب و دگرگونی نظم موجود به صورت امری فوری، در دستور کار قرار می گیرد، طبقه کارگر نخست به یک رشتہ اعتصابات که البتہ با اشکال جنبی دیگری از مبارزه تلقیق می گردد، روحی می آورد. در مرحله ای از این مبارزه، این اعتصابات به یک اعتصاب عمومی سیاسی ارتقاء می یابند. اما این اعتصاب نمی تواند شکل گرفته باشد، مگر آنکه در هر کارخانه، کمیته های اعتصاب شکل گرفته باشند و کمیته های اعتصاب کارخانه ها و موسسات مختلف به یک کمیته هم آهنگی و رهبری اعتصاب عمومی شکل داده باشند. این بدان معناست که کارگران هم در سطح کارخانه و هم در سطح سراسر کشور ابتكار عمل را به دست گرفته اند و به عنوان یک قدرت واقعی عمل می کنند. در واقع این کمیته هم آهنگی و رهبری اعتصاب است که به عنوان یک قدرت انقلابی تصمیم می گیرد و عمل می نمایند. ابتكار عمل بورژوازی بدین طریق از او سلب شده است. حتا اگر به هر علتی از جمله سطح نازل تشکل و آگاهی کارگران، بورژوازی بخواهد با توسل به تاکتیک های پیچیده، ابتكار عمل را از طبقه کارگر سلب کند، تنها از طریق جلب حمایت کمیته های اعتصاب و به ویژه کمیته هم آهنگی و رهبری اعتصاب می تواند چنین کند، نظری آن چه که در انقلاب پیشین ایران رخ داد. معهذا این نکته مسجل است که تشکیل کمیته های اعتصاب، کمیته هم آهنگی و رهبری اعتصاب و برپایی اعتصاب عمومی، نخستین تجلی برقراری یک قدرت انقلابی، به موازات قدرت ارتجاعی بورژوازی است. طبقه کارگر ابتكار عمل را از این طریق به دست می گیرد، اما نمی تواند در همین جا متوقف شود. مقتضیات مبارزه طبقاتی وی را وامی دارد که به سوی یک سره کردن کار گام بردارد و تمام ابتكار عمل را از این طریق به دست می گیرد که بورژوازی نیز بیکار نشسته و برای یک سره کرده کار به نفع خویش تلاش می کند. لذا طبقه کارگر یا باید به پیش رود و کارقدرت را به نفع خود یکسره کند و یا تمام قدرت

## ازصفحه ۱

**رفرازدوم نه ، انقلاب آری !**

موسسان به نیابت ازملت در مورد همه چیز تصمیم بگیرد. در این ضمن بورژوازی تمام امکانات اقتصادی و مالی، سیاسی و تبلیغاتی داخلی و بین المللی خود را به کار خواهد گرفت تابه نام مردم و نمایندگان آنها، مجلس موسسان خود را برگزار کند و تصمیماتی که منطبق بر منافع و نیازهای آن است، اتخاذ نماید. این که بعد چه خواهد شد بماند. اما در همین فاصله اگر کارگران و دیگر بخش های زحمت کش و ستم دیده مردم ایران خواستند شورا تشکیل دهند و با تکرار عمل را در دست خود بگیرند، به سادگی خواهند گفت شورا بی شورا. اگر آنها خواستند مطالبات سیاسی و اجتماعی و رفاهی خود را عملی سازند؛ به تشکیل مجلس موسسان و تصمیمات آن حواله شان خواهند داد و اگر توده مردم خواستند مقاومت کنند، ارگان های سرکوب حی و حاضر، ارتش، سپاه، پلیس، دادگاهها و زندانها آماده اند که این مردم را سرجای شان بشناسند. مجلس موسسان هم که تشکیل شود از آن جایی که بنا به ماهیت و خصلت بورژوازی خود، نمی تواند و نمی خواهد مطالبات مردم یا لاقل اصلی تربیت آنها را برآورده سازد؛ توده مردم برای تحقق مطالبات خود، راه دیگری جز از سرگرفتن مبارزه خواهد داشت. اگر توده های کارگر و زحمتکش حقاً مطالبه اقتصادی و رفاهی دارند، به آنها خواهند گفت باید صبر کنند. جمهوری اسلامی همه چیز را ویران و خراب کرده است و نمی شود در کوتاه مدت این مطالبات را جراحت کرد. اگر این توده زحمتکش بگوید که سالهای است که از این وعده ها به ما داده شده است و ما با تشید مبارزه برای تحقق آنها تلاش خواهیم کرد، همان نیروی سرکوب جمهوری اسلامی که حالا با رژیم سیاسی جدید بیعت کرد ه است و سوگند وفاداری یاد نموده است، به مقابله با آنها برخواهد خاست. سران حکومت نیز که تا کنون برای پیشبرد سیاست خود می کوشیدند، پیز دمکراتیک به خود بگیرند، چکمه های شان را می پوشند و در سیمای واقعی خود در انتظار مردم ظاهر شوند. مردمی که ابتكار عمل از آنها سلب گردید، حالا باید دوباره از نو مبارزه را آغاز کنند تا مطالبات خود را به کرسی بنشانند و این مبارزه های سنتی که تا این روز هزینه های سنگینی برای مردم ایران داشته است. پس روشن است که هدف از طرح شعار رفرازدوم، گرفتن ابتكار عمل از همین امروز از دست توده های کارگر و زحمتکش است. توده های زحمتکش و ستمدیده و در پیش ایش آنها طبقه کارگر باید از هم اکنون با هر شعاری که می خواهد ابتكار عمل را از آنها سلب کند، به مخالفت بر خیزند و برای تحقق آن شعار هایی مبارزه نمایند که ابتكار عمل را بیش از پیش در دست آنها قرار دهد. لذا در برابر شعار رفرازدوم که از سوی طبقه سرمایه دار مطرح می شود، تا اینجا ملت، تا اینجا می باشد. این رفرازدوم شرکت کنند، پاسخ آنها نه خواهد بود. بعد چه؟ این سؤال مطرح خواهد شد که چه چیزی باید جایگزین جمهوری اسلامی شود؟ شعار حداکثر بورژوازی، فرا خوان یک مجلس موسسان خواهد بود. چه کسی آن را فراخواهد خواند؟ لاید جمهوری اسلامی و یا هیئتی و کمیته ای از نمایندگان بورژوازی به نام ملت. تا اینجا ریش و قیچی تمام از دست خودشان است. همه چیز است. خود را از طریق انتقام از این مطالبات و قیام ملی خواسته می شود که فعلاً مطالبات و مبارزات خود را کنار بگذارند تا مجلس

## همه در پی یافتن راه دیگری هستند!

### ازصفحه ۲ اخباری از ایران

برابر ساختمان اداره کار تهران دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. اجتماع اعتراضی کارگران مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفت.

#### \* تجمع کارگران الیاف شیروان

دهها تن از کارگران کارخانه الیاف شیروان روز جمعه ۲۲ آذرماه بار دیگر دست به اعتراض زدند و خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه و بازگشایی کارخانه شدند. یکی از کارگران این کارخانه می‌گوید، 'این واحد هر ده روز یک بار از سوی صاحبان آن تعطیل می‌شود. اولمی‌گویید، کارگران چندین بار برای مسولین نامه اعتراضی فرستاده و خواستار رسیدگی به مشکلات این واحد شده اند و در جلساتی کا خیرابا نماینده شیروان و فرماندار داشته - اند، فرارشده است با تعیین یک مدیر عامل جدید و تهیه مواد اولیه، از ۳۰ آذر، کار در کارخانه مجدد آغاز شود.'

#### \* اعتراض کارگران در گچساران

کارفرمای یک شرکت پیمانکاری در گچساران، بیش از سه ماه است که هیچگونه دستمزدی به کارگران این شرکت نپرداخته است. ۱۸۰ کارگر این شرکت که شدیداً تحت فشار قرار دارند، نسبت به این موضوع اعتراض دارند و خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود می‌باشند.

#### \* نامه اعتراضی

۷۰ تن از کارگران شرکت فرش و پتوی تبریز در نامه اعتراضی خواستار بازگشت به کار و رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران که به بهانه فرسودگی وسائل تولید و تعطیلی برخی خطوط آن از کار اخراج شده اند، مدت دو سال است که همچنان بیکار و در حالت بلا تکلیفی به سرمی برند. اخیراً کارفرمای خطوط تولیدی را راه اندازی نموده است اما از بازگشت به کار این کارگران قدمی خود - داری کرده و کارگران جدیدی استخدام نموده است. کارگران نسبت به تضییق حقوق خویش اعتراض دارند و خواستار حقوق خود می‌باشند.

#### \* نامه اعتراضی

کارگران فنی شرکت واحد، در یک نامه اعتراضی نسبت به آلدگی محیط کار اعتراض کردند. در نامه اعتراضی کارگران از جمله به این موضوع اشاره شده است که در تعمیرگاه‌های مختلف شرکت واحد، مسائل و قوانین بهداشتی رعایت نمی‌شود. از آنجا که شدت الودگی زیاد است و کارگران بامداد شیمیایی و انواع مواد روغنی سر و کار دارند، در سال‌های گذشته کارگران این بخش بر اساس تأیید کارشناسان بهداشتی و کمیته کارهای سخت و زیان آور، ازمایایی بازنیستگی کارهای سخت و زیان آور استفاده نموده‌اند. در این نامه، کارگران خواستار بازنیستگی پیش از موعد شده اند.

پس تمام معضل آقای شعله سعدی، 'معضل انقلاب است و "پیدا کردن راهی" که "از یک انقلاب جلوگیری کرد." حالا شعله سعدی، راه سومش را پیشنهاد می‌کند، و گروههای دیگری از به اصلاح اصلاح طلبان راهی دیگر و بالاخره طرفداران پروپا فرق خامنه‌ای امثال شریعتمداری و ده نمکی هم راه خودشان را برای مقابله با انقلاب و جلوگیری از آن. آنها هم به این نتیجه رسیده اند که پس از شکست پروژه اصلاحات آقای خاتمی باید راه جدی‌تری را برای سرکوب مردم و جلوگیری از انقلاب آینده آنها پیدا کرد. راه حل مشخصی هم که تا همین لحظه ارائه می‌دهند این است که تکلیف مسئله قدرت در درون هیئت حاکمه باید یکسره شود. به نوعی حکومت نظامی بر - قرارگردد و حتا برای کنترل اوضاع گروهی از درون خود هیئت حاکمه از هردو جناح دستگیر و روانه زندان شوند و اگر لازم آمد، اعدام شوند. نمی‌توان گفت که چون این تزها از سوی شریعتمداری و ده نمکی مطرح شده‌اند، نباید آنها را جدی گرفت. چرا که اولاً حرف آنها انکاس دیدگاه‌هایی در درون جناح مسلط هیئت حاکمه است، و ثانياً - تنها راهی که دربرابر جناح مسلط قرار گرفته است، چیزی جز پیشبرد این سیاست نیست. حوادث تاریخی البته دوبار تکرار نمی‌شوند، اما در شرایط متفاوت می‌توانند در شکل مشخص دیگری ظهور کنند. دودوران رژیم شاه آموزگار و امامی هر یک وظیفه "اصلاحات" اقتصادی و سیاسی را بر عهده گرفتند تا شاید رژیم را نجات دهند. در دوران جمهوری اسلامی این هردو وظیفه را خاتمی یک جا بر عهد گرفت. در دوران رژیم شاه سوم شده است. اما در همه حال او هم مثل تمام کسانی که با جمهوری اسلامی در شکست انقلاب ایران، همکاری و همراهی داشته اند، یک هدف را دنبال کرده است و آن این است که مبادا مردم ایران یک باره دیگر به انقلاب برخیزند و آنچه را یک ربع قرن پیش نتوانستند عملی سازند، این باره به مرحله عمل و اجرا در آورند.

نامه شعله سعدی به خامنه‌ای بیان چیز دیگری جز همین واقعیت نیست. او خود نیز این مسئله را کمتر نمی‌کند و در مصاحبه‌ای با رادیو صدای آلمان که می‌پرسد آیا این نامه اندرزی به حکومتیان نیست که کوتاه بیانند و مشکلات را بشناسند؟ پاسخ می‌دهد: "می‌تواند این جور هم باشد. در واقع بحران چند جانبه‌ای که ایران را فراگرفته است از نقطه نظرهای گوتانگون، کشور را در آستانه فروپاشی قرارداده... . . . که الان دیگر بدون اصلاح ساختارقدری، امکان برون رفت از این بحران را نمی‌بینیم. . . دیگر زمان آن اصلاحات گذشته و عمل مقامات جمهوری اسلامی ثابت کردد که این نظام قابل اصلاح نیست. طبیعتاً باید در فکر راهی بود که برای این که هم هزینه‌ها را کم کرد و از یک انقلاب جلوگیری کرد."

#### کمک مالی رسیده

هلند

رفیق علی اکبر صفائی فراهانی ۵۰ یورو

می دهنده، روزی دیگر شعار رفراندوم را پیش می کشد و روزی دیگر خواهان مبارزات صرف صنفی برای طبقه کارگر می شوند. هرچند که در ظاهر این جریانات از یکدیگر دور به نظر می رسد اما درنهایت طبقه کارگر و زحمت کشان ایران را به روزمره گی دچار می کند و خود سدی در مقابله اعتلای مبارزات آنان می شوند. در کشورهایی که ازادبیهای سیاسی در چارچوب سرمایه داری وجود دارند، احزاب رفرمیست مطالبات و مواضع خود را در بین دو انتخاب پارلمانی تعریف می کند و در کشورهایی مانند ایران که سایه‌ی سیاست اختناق و دیکتاتوری سرمایه داری در رخت یک حکومت دینی بر جامعه پردازکنده است، سوسیال - لیبرال‌ها و اپورتونیست‌ها روزی از رفسنجانی "پرآگماتیست" حمایت می کنند، روزی و عده شق القمر کردن "مجلس اصلاحات" رامی دهنده و روزی پیروزی خاتمه رابرتا نق نوری "نه" به نظام جمهوری اسلامی تاویل می کند. جالب این جاست که در جمهوری اسلامی و برطیق مقررات آن هیچ کدام ازین گروهها حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی وغیره راه ندارند.

لنین درجه باید کرد براین مهم تاکید می کند که مطالبات غیرسیاسی و بی توجهی به تنوعی - های تحولات بنیادین در سوسیالیسم علمی آب به آسیاب ایدئولوژی بورژوازی می ریزد که با دردست داشتن دستگاه عظیم دولتی بر تمام رسانه های بزرگ هم مسلط است و به تحکیم و تبلیغ ایدئولوژی خود می پردازد. لنین مانند انگلستان براین باور است که مبارزه طبقاتی دارای سه جنبه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک است. درجه باید کرد، وی نشان می دهد که دنباله روی از جنبش خود به خودی کارگری به مردود شمردن امکان تغییر جهان فرامی روید. شکست تمام گروهها و اشخاصی که پس از این نوشته لنین وجود داشته و دارند و می خواستند یا می خواهند با فراگیری قوانین سرمایه داری، آن را تحول کند یا به اثبات رساند که بدون "ثوری انقلابی" یک جنبش انتقامی میسر نیست و " فقط یک حزب هدایت شده با ثوری پیشگام می تواند به وظایف" خود جامه عمل پیو شاند و سیر تغییرات و تحولات اجتماعی را تسریع کند و بساط برده داری نوین - سرمایه داری - را با شرکت فعال در یک انقلاب سوسالیستی برجیزد.

لنین در چه باید کرد می نویسد که اتحاد وحدت نیروهایی که خود رامنوب به سوسیا - لیسم می کند بدون روش بودن مزه ها و مواضع ناممکن است. بدین جهت وی از گفتگو و پالمیک در میان گرایش هایی که خود را به سوسیالیسم منسوب می دانند استقبال می کند. لنین می نویسد که برخی از این گرایش ها به نام وحدت در عمل تیشه به ریشه ای آن می زند و در واقع خواهان سرهم بدی کردن بک شپری یا ل و دم و شکم به نام حزب طبقاتی و پیشگام هستند. وی سپس برای روسیه یک نشیره سراسری را پیشنهاد می کند. برای لنین این نشیره می تواند وسیله ای برای تجمع وحدت ایدئولوژیک و سیاسی انتقامیان باشد. لنین می گوید که اعضای سازمان های منسوب به سوسیالیسم و واحدهای پایه ای آن ها نقش ویژه ای در این نشیره دارند. لنین تاکید می کند که چنین نشیره ای فقط یک وسیله تبلیغاتی و تهییج کننده نیست و باید یک ارگان مشکل

## (چه باید کرد؟)

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده اند؟

لنین درجه باید کرد نشان می دهد که تفکیک دو وظیفه ای صنفی و سیاسی در جنگش طبقه ای کارگر آن را دستی در اختیار طبقه سرمایه دارمی گذارد. لنین می گوید که مبارزه سندیکابی به تنها ی نمی تواند جنگش طبقه کارگر را از مرزهای نظم موجود خارج کند، زیرا در این صورت تمام هم وغم این طبقه فروش نیروی کارش به بهای بهتری به کارفرمایان خواهد شد و این مهم خدماتی به نظم استیماری وارد نمی کند. دراین جاست که لنین به اصل نوشتار خود می پردازد و نقش حزب انقلابی طبقه کارگر را تعریف می کند، حزبی که در آن مبارزه برای اصلاحات تابع . . . مبارزه انقلابی برای سوسیالیسم است. برای لنین محدود ماندن درمانه ای مبارزات صنفی چیزی به جزا کونومیسم نیست که خود بخشی از فرستاد طلبی - اپورتونیسم - است. روشن است که برای چنین تحولات گسترده ای یک یا چند اتحادیه کارگری و نیز حزبی که به بالا و پایین رفتن اراء خود دراین یا آن پارلمان بورژوازی نظردارد کافی نیست. لنین دراین جا بر نقش یک حزب پیشگام که رهبری سیاسی و ایدئو - لوژیک پرولتاریا را بر عهده می گیرد تاکید می کند. بدیهی است که پایه های این حزب در نبردهایی ریخته می شود که در موسسات و شرکت های سرمایه داران کارگران را به بند کار مزدوری کشیده اند. این حزب را یک دسته و گروه از روش نگران که ارتباطی باطبقه کارگر ندارند نمی توانند پی ببرند. طبقه کارگر از منافع صنفی خود درایران و در نظردارد کافی نیست. لنین دراین جا بر نقش یک حزب انتقامی که به بالا و پایین رفتن اراء خود دراین یا آن پارلمان بورژوازی مبارزه با "مارکسیست های فانونی" از قبیل مارتینیف و استروه می پردازد که معتقد بودند که طبقه کارگر فقط باید به جنبش مطالباتی اقتصادی خود بپردازد و این جنبش هم باید خود به خودی باشد. آیا ما امروز در جنبش کمونیست ایران با هم فکران مارتینیف ها و استروه ها برخورد نمی کنیم که می گویند "بورژوازی ایران بالآخره جنبش اصلاحی خود را بیش می برد و کارگران باید فقط به فکر تشکیل اتحادیه و سندیکای مستقل باشند؟" جالب اینجاست که گروه هایی که چنین نظریاتی را ابراز می دارند از مسئولان تشکلاتی مانند خانه کارگر و چبه مشارکت اسلامی یا حزب اسلامی کار نقل قول می آورند، مسئولانی که تمام تلاش خود را معطوف به این کرد هاند که طبقه کارگر ایران را دست و پایسته در اختیار سرمایه داران قرار دهند. حال آنان چگونه می خواهند که کارگران ایران دارای تشکلاتی مانند سندیکای مستقل باشند، خود بحث دیگری است.

در چه باید کرد لنین با رویزیونیست هایی از قبیل بزن اشتاپن برخورد می کند که رشد نسبتا مسالمت امیز سرمایه داری را در آن دوران مانند بپراهن عثمان برس جنبش می چرخانند و می گفتند: "هدف نهایی هیچ ایست و جنبش موجود همه چیز است." آیا ما امروز در جنبش خود با انسان و اقسام چپ های لیبرال و رویزیونیست هایی مانند دوجناح حزب توده روبه رونیستیم که پس از سالها همکاری و همراهی با رژیم جمهوری اسلامی از "جنبش موجود اصلاحات" حمایت می کنند و با طرح شعارهای گنگ و مبهمنی مانند رفراندوم یا "طرد رژیم ولایت فقیه" به شیبورجیانی بر ضد اعتلای جنبش توده های کار و زحمت ایران

**((چه باید کرد؟))****رفراندوم نه ، انقلاب آری !**

متعددی برسر راه پیشرفت طبقه کارگر و ابتكار عمل توده ایجاد خواهد نمود، اما این واقعیت به جای خود باقیست که تنها انقلاب می تواند ابتكار عمل را به توده بسیاره و مبارزه طبقاتی هوشمندانه طبقه کارگر می تواند تلاش بورژوازی را برای سلب این ابتكار خنثاً سازد.

واقعیت های عینی جامعه ایران، تضادهای لایحل و سربه فلکشیده موجود، عمیق تر شدن روز افزون بحران سیاسی، چشم انداز اعتلاء هرچه بیشتر جنبش توده ای و مقاومت مایوسانه ارتاج حاکم، همگی فاکت هایی به نفع انقلاب و به زیان تاکتیک ها و شعار های بورژوازی ایران است. همین واقعیت ها نشان می دهند که شعار رفراندوم بورژوازی سرنوشتی جز شعار "اصلاحات" "خواهد داشت. حتا اگر بخش کوچک و ناچیز هم از توده مردم ناگاه در این لحظه براین توهم باشند که از طریق رفراندوم چیزی عاید آنها و مطالبات شان خواهد شد، روند حاد مبارزه طبقاتی به زودی آنها را از توهم در خواهد آورد. به عینه دیدیم در شرایطی که هنوز بحران به درجه موجود عمق و وسعت نیافته بود و مبارزه طبقاتی از حد تکنونی برخوردار نبود، توده نا آگاهی که به "اصلاحات" خاتمی دل بسته بود، با چه سرعتی از وی روی برگرداند. این درس بزرگی است که در دوره های انقلابی، توده های مردم به سرعت تجربه می آورند، موانع را از سر راه بر می دارند، به گرد رادیکال ترین شاعرها مشکل می شوند و در مسیر انقلاب گام بر می دارند. انقلاب است که با منافع و اهداف طبقه کارگر، طبقه ای که باتمام اعظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی سرمایه داری در تضاد آشتبانی ناپذیری قرار دارد، در انتباخت است. بدیهی است که ما به عنوان سازمانی که مدافعان منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه مدافعان منافع عموم توده های زحمت کش و ستمدیده هستیم، باید پیگیرانه ماهیت شاعرهای بورژوازی را برملائکنیم و در برابر شعار بورژوازی رفراندوم، از انقلاب دفاع کنیم.

از دوچنگ جهانی سده پیش باشد، بعید نیست. بشریت بار دیگر در برابر انتخابی سرنوشت ساز قرارداد، یا پذیرش سرمایه داری و تمام توحش آن یا برچیدن این نظم و گذار به سوی نظمی واقعه نوین: کمونیسم. در ایران یکی از وظایف عده ای که در مقابل کمونیست ها قرار گرفته است تشدید و تعیین مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی - است که نه فقط حق تشكیل یک اتحادیه مستقل را از کارگران سلب نموده بلکه با اعمال یک دیکتاتوری و اختناق سیاه و قرون وسطایی سدی در مقابل تجمع و گفتمان نیرو های کمونیستی در جامعه گردیده است. امری که تشكیل یک حزب انقلابی طبقه کارگر با توجه به تئوری های داهیانه لنین در چه باید کرد را در شرایط فعلی ناممکن نموده است.

(نادر مرتضوی)

را به بورژوازی واگذار نماید. پیشرفت برای یکسره کرده مسله قدرت یعنی ارتقاء اشکال مبارزه و فراتر از انتصاف عمومی سیاسی به قیام مسلحانه. این بدان معناست که در شرایط پیروزی قیام، امکان ابتكار عمل توده - ای تا بدان حد بیش رفته است که امکان کسب قدرت توسط طبقه کارگر و توده های زحمتکش و ستمدیده نیز فراهم شده است. چون در جریان این قیام است که نه تنها هیئت حاکمه موجود سرنگون می گردد، بلکه از هم پا شیدگی ارگان های سرکوب دستگاه دولتی، قدرت بورژوازی را بیش از پیش تضعیف می کند. توده های کارگر و زحمتکش، مسلح می شوند و کمینه های انتصاف به شوراها ارتقاء می یابند. منتظر با این پیشرفت در ابتكار عمل کارگری، شوراها و کمینه های محلات شکل می گیرند که نیرو اصلی تشکیل دهنده آنها را کارگران و توده های زحمتکش و تهی دست شهرها تشکیل می دهند. این نیز بیان دیگری از همان ابتكار عمل و اعمال قدرت انقلابی از سوی کارگران و زحمتکشان است. بدین طریق با تشکیل شوراها در کارخانه ها و محلات و مسلح شدن توده ها، این امکان فراهم می گردد که کارگران و زحمتکشان، با برچیدن تمام دستگاه دولتی کهنه، قدرت شورایی را مستقر سازند و به دست خویش به خواست ها و مطالبات شان جامه عمل پوشند. در اینجا دیگر، توده های کارگر و زحمتکش از کسی درخواست نمی کنند که مطالبات را راعملی سازند، بلکه خود تصمیم گیرند و از پایین ترین سطوح برای اجرای آنها و زحمتکش را درخواست می کنند. بنا بر دست به کارمی شوند. در اینجاست که توده مردم به راستی می توانندبا تشکیل گنگره سراسری شوراهای نمایندگان، ازادانه و اگاهانه درمورد نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی آینده خود تصمیم بگیرند.

نیازی به ذکر این نکته نیست که مطالبات شوراها و مطالعه طبقاتی، روند پیچیده ای است و تحول اوضاع به سادگی نوشتان آن بر روی طبقه سرمایه دار تمام امکانات و تاکتیک های خود را به کارخواه گرفت و مانع

به همان نسبتی که آنها از سوسیالیسم علمی و به ویژه لنینیسم دور شدند، تسریع گردید. به هر حال امروزی بودن "چه باید کرد؟" از آن جا ناشی می گردد که حزب انقلابی طبقه کارگر از دید لنین نه فقط در ایران بلکه در بیشتر نقاط دیگر جهان هم وجود ندارد و مطالعه و بررسی این اثر، بدون برداشت های کلیشه ای و جزم کرایانه راهی به سوی تاسیس و بنیان گذاری آن ها را می کشید. این ره - کشاپی از آن جا همیت بیشتر خود را باز می یابد که بحران سرمایه داری جهانی بیش از پیش تعیین گردیده و جهان در نظم نوین سرمایه داری "جنگ ها و کشتارهای وسیع و فقر و محدودیت بیش از پیش آزادیهای سیاسی و دمکراتیک را دربرابر می بیند. بدون زایش دویاره یک جنبش جهانی کمونیستی بر اساس تئوری های مارکسیستی - لنینیستی امکان هر گونه فاجعه ای که می تواند به مراتب مخبر تر

کننده جمعی باشد. برای لنین این نشریه باید بتواند به یک آلت ممتاز تشکل دهنده به کار کمونیستی باشد، کمونیست های پراکنده را گرد آورد و در مبارزات با تبلیغ اگاهی انتقامی شرکت کند. در این صورت است که یک پارچه کردن دو جنبش کارگری و سوسیالیستی مقدور می شود. در ایران که یک دیکتاتوری عربیان سرمایه داری - دینی بیش از دو دهه گریبان جامعه را گرفته است، یک پارچه کردن جنبش کارگری - که همان طور که گفته شد در غیاب حزب انقلابی و ادار است تا از منافع صنعتی - اش دفاع کند - و جنبش سوسیالیستی به دلیل سرکوب و اختناق بی اندازه امکان تجمع و تشکل را ندارد - عجالتاً منتفی است. آیا همین امر موجب نشده است که در جنبش کمونیستی ایران انواع و اقسام اتحاد ها و احزاب که به نام کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم به وجود آمده اند شکست بخورند و عمل تبدیل به فرقه هایی شوند که طبقه کارگر ایران حتا از وجودشان هم آگاه نیست؛ لنین در چه باید کرد بر اهمیت تئوری سوسیالیسم علمی برای تحلیل، پیش بینی روی داده و ترسیم چشم انداز های انقلابی تاکید می کند. وی در این کتاب نشان می دهد که کمی اتحادیه و یک حزب، هر یک زمینه های فعالیتی مختص به خود را دارند. یک اتحادیه کارگری تمام طبقه را فرای گرایش های سیاسی، فلسفی یا مذهبی تشکیل می کند، اما کمونیست ها خواهان حفظ ماهیت طبقاتی آن هستند تا بتوانند نقش خود را در مبارزات داشته باشند. تکثیر گرایشهای گوناگون در یک اتحادیه نمی توانند آن را تبدیل به تشکیلاتی برای تغییرات بنیادین کنند. بنابر این حزب کمونیست عالی ترین ارگان تشکیلات طبقه کارگر است و در واقع گردان پیش روی این طبقه است. زیرا در این حزب نیروهای مسلح و کاملاً آگاه به مارکسیسم - لنینیسم مشکل - اند، نیروهایی که بدون آنها هدایت انقلاب ضد سرمایه داری ناممکن است. در پایان باید به این موضوع هم اشاره کرد که لنین به رغم تمام اهمیتی که در این اثر به حزب کمونیست انقلابی می دهد خواهان جایگزین شدن آن به جای دولت نیست. اما این اتفاق در تمام کشور - های اردوگاه سابق رخ داد و به دلیل این که کمونیست ها در نهایت خواهان اضمحلال دولت هم هستند نه فقط این دولت - حزب ها را از تدارک و مهیا کردن اضمحلال دولت بازداشت بلکه با دور شدن گام به گام آن ها از تئوری سوسیالیسم علمی و دیکتاتوری طبقاتی کارگری یا دیکتاتوری پولتاریا یا عالی ترین نوع دمکراسی پیش از اضمحلال دولت، دور کرد و تا فروپاشی کامل رهمنون گردانید و سرانجام بازگشت دولت های تمام عیار سرمایه داری را میس نمود. مثلاً فراموش نکنیم که در گنگره بیست حزب کمونیست شوروی، رویزینیونیستهای خروشچفی "دیکتاتوری تمام خلق" را جایگزین دیکتاتوری پولتاریا یی که به مثابه عالی ترین نوع مکراسی پیش از اضمحلال دولت دیگر وجود نداشت. به هر حال این تز رویزینیونیستی دولت - حزب شوروی را به یک کروه ممتاز جدا از طبقه فراویاند و در پایان دهه هشتاد و آغاز دهه نود میلادی به فروپاشی کامل سوق داد. برخی کمونیست های سابق و چپ های لیبرال امروز نمی پذیرند که فروپاشی این دولت - حزبها

## خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

«تظاهرات و گردهم آبی‌های دانشجویان» عنوان اطلاعیه‌ای است که در روز ۱۶ آذرماه انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که به رغم اعلام منوعیت تظاهرات از سوی وزارت کشور و آماده باش نیروهای مسلح حکومت اسلامی، در سالروز ۱۶ آذر، روزی که سه تن از دانشجویان مبارز شریعت رضوی، قدقچی و بزرگ نیا به دست مزدوران رژیم سلطنتی شاه به قتل رسیدند، هزاران تن از دانشجویان در تهران و تعدادی از شهرستانها، با برپایی تظاهرات، گردهم آبی و راهپیمایی، نفرت و انجار خود را نسبت به رژیم ستمگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. اطلاعیه می‌افزاید که این تظاهرات در تهران که از حمایت و پشتیبانی مردم نیز برخوردار بود، تمام خیابانهای اطراف دانشگاه تهران را فراگرفت. شعار تظاهر کنندگان مرگ براستیاد، مرگ بر طالبان، تپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود. واحدهای ضد شورش رژیم به مردم دیگر نیروهای سرکوب، به صفوی تظاهر کنندگان یورش برداشت ودها تن از دانشجویان بازداشت شدند. سازمان در این اطلاعیه حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات دانشجویان اعلام، اقدامات سرکوبگرانه رژیم را محکوم نمود و خواستار آزادی فوری دستگیرشگان گردید.

در ۲۲ آذر ماه معلمان تهران در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان، در خیابانهای حافظ و انقلاب تجمع نمودند و سپس با راهپیمایی و تظاهرات و سر دادن شعارهایی در مورد مطالبات صنفی و سیاسی خوش خواهان تحقق این مطالبات شدند. این تظاهرات توسط واحدهای ضد شورش رژیم سرکوب شد. سازمان ما با صدور اطلاعیه‌ای در حمایت از مبارزات و مطالبات معلمان، اقدامات سرکوبگرانه و فاشیستی رژیم را علیه معلمان محکوم نمود. در این اطلاعیه از معلمان سراسر کشور خواسته شده است که با توصل به اعتصاب سراسری برای تحقق مطالبات خود تلاش کند. اطلاعیه همچنین خواستار آزادی فوری معلمان بازداشت شده گردید است.

**سئوالی از میان حضار:** نظر شما در مورد فلسطین چیست؟ ای راه حل مثبتی در چشم انداز دارید؟

سعد اوی: من بسیار امیدوار هستم. سیاستهای امریکا و اسرائیل با شکست مواجه شده اند. انچه در فلسطین در حال وقوع است، نبرد میان بین دو ارتش نیست، بلکه یک جنایت است. زیرا مردم فلسطین ارتش ندارند. آنها با بدن خود به جنگ می‌پردازنند. آنها بدن خود را منفجر می‌کنند، با این حال آنها تروریست نامیده می‌شوند. در واقع به قربانیان، لقب تروریست داده می‌شود. در حالی که به نظرمن آن جوانان، آن دختران و پسرانی که بدنهای خود را منفجر می‌کنند، مبارزین و آزادیخواهان اند نه تروریست. خوشبختانه‌آگاهی جهانیان در مردم جنایاتی که در مورد فلسطین اعمال می‌شود، رو به افزایش و امیدوار کنند است. آنانی که در فلسطین کشته می‌شوند فقط مسلمین نیستند، بلکه مسیحی، اتنیست، معترض و ... هستند که برای حقوقشان به پاخته استند.

دانشجویان، اتحادیه‌های کارگری علیه دولت گذشته بی‌سابقه بوده است. نکته جالب توجه این است که این جنبش‌ها علاوه بر مبارزه حول خواسته‌ای خود، تلاش دارند پیوندی در مبارزات خود به وجود آورند تا دامنه تاثیرگذاری مبارزاتشان افزایش یابد.

نیکولا: آیا به نظر شما جنبش ضد گلوبالیزا-سیون، دربرگیرنده جنبه‌های متعدد مبارزاتی (زنان، دانشجویی، اتحادیه‌ای، طبقاتی ...) است؟

شريف: به نظر من جنبش ضد گلوبالیزا-سیون، جنبش روبه رشد است. یکی از علل "جنگ علیه تروریزم" منافع اقتصادی و فروش اسلحه است. علت دیگر سیاسی است: یعنی هنگامی که جنگی به راه انداده می‌شود، بسیاری از جنبش‌های توده‌ای (خصوصاً جنبش‌هایی که فاقد تجربه مبارزه اند) دچار سردرگمی می‌شوند و موقتاً مسیر خود را کم می‌کنند و درنتیجه از این رهگذر، سرعت رشد جنبش‌ها کند می‌شود. از همین روزت که در امریکا لیزاسیون، سعی در کرم نگاهداشت منشور "جنگ علیه تروریزم" دارند و ۱۱ سپتامبر همچنان به لحظه تأثیرروانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نیکولا: بد نیست که به بنیادگرایان مسیحی در آمریکا بپردازیم. اینها نیز نقش فعالی و از وقاره هستند. من حدود ۱۰ سال در امریکا در در حال حاضر مشغول تکارش رمانی حول این مسیحی در صورتی که ما می‌دانیم که بنیادگرایی در زندگی کرده‌اند. البته بین مصر و آمریکا در رفت و آمد بوده‌اند. در نتیجه هم به خاطر سکونت در امریکا وهم به واسطه شغل، افراد متعدد سر و کار داشته و دارم. من شاهد این بوده و هستم که چگونه رسانه‌های گروهی، جنگ تبلیغاتی به راه انداده و به شستشوی مغزی می‌پردازند. شاهد بوده‌ام که چگونه جور بوش هم پر، هم پرس و هم روح القوس (خنده حضار) از ۱۱ سپتامبر برای انحراف افکار عمومی استفاده کرده‌اند تا به مقاصد عدالت اقتصادی خود برسند. به راه اندادخانه جنگ یکی از راههایی است که به این منظور است.

نیکولا: چون آمریکا به داشتن یک دشمن نیازمند است تا جنگی را توجیه کند. یعنی از قبل از درگیری جنگی، به یک مقدمه چینی روانی نیاز است تا مردم بسیج شوند. اتحاد جماهیرشوروی سابق دیگر موجود نیست، پس باید دشمنی تراشیده شود، تا جنگ توجیه شود. در صورتی که بنیادگرایی نه تنها در جهان عرب که در آمریکا و اسرائیل نیز رشد و قدرت یافته است.

نیکولا: به نظر شما بنیادگرایی مسیحی در آمریکا، قدرتمند است؟

سعد اوی: بنیادگرایی مسیحی در آمریکا بسیار قدرتمند است. در واقع از زمان روی کار آمدن جرج بوش (پیش) بودجه نظامی و بودجه سازمان‌ها و مراکز مسیحی افزایش یافته است. یک ارتباط همیشگی بین دو نهاد (ظامی و مذهبی) بوده، هست و خواهد بود. سیاست دولت جرج بوش حمایت از نهادهای بنیادگرایی مذهبی است: هم در آمریکا و هم در خارج از آمریکا طالبان و اسامه به لادن دست پروردگاری امریکا-هستند. شما اگر تعمقی بر گفتار و سخنرانی‌های جرج بوش داشته باشید، زیانش به لحظه ادبی، زبانی است مذهبی. گویی شما یک متن انحصاری را پیش روی خود دارید. فقط کافی است جای گلمه "خدا" با "آمریکا" را عوض کنید. بن لادن و جرج بوش دور روی یک سکه‌اند.

## بنیاد گرایی مذهبی و جنگ

میزگردی با شرکت نوال سعداوی و شریف خطاط از حقوق و پژوهه‌ای است که به واسطه جنسیت - شان دارند و پیرای زنان به معنای آشنایی با حقوق و کسب حقوق و حفظ آنهاست.

نیکولا: مبارزه زنان در جنوب، به نظر می‌رسد که موفقیت چندانی کسب نمی‌کند و پیروزی در چشم انداز نیست، نظر شما در مورد این امر چیست؟

سعد اوی: به نظر من این مبارزه پیروزی کسب می‌کند، در مقاطعی از دست می‌دهد ولی همچنان مبارزه هست. البته درست است که در مقطع فعلی، شاهد یک رکود یا در برخی جاهای توده‌ای (خصوصاً جنبش‌هایی که ناشی از علل وعوامل مبارزه هستند) اتفاقی دارد. اما زنان درکل، در حال پیشروی اند. به طور مثال اگر زندگی مادر بزرگ خود را با زندگی دختران خود مقایسه کنیم، می‌بینیم که پیشرفت‌ها و پیروزی‌های زیادی حاصل شده است.

نیکولا: شما ۱۱ سپتامبر (روزی که دو برج عظیم در نیویورک فرو ریخت) در نیویورک بودید، تجربه‌تان در این مورد چیست؟

سعد اوی: من تمام سال را در آمریکا به سر می‌بردم. در نیویورک و نیوجرسی بودم. در حال حاضر مشغول تکارش رمانی حول این واقعه هستم. من حدود ۱۰ سال در امریکا در زندگی کرده‌ام. البته بین مصر و آمریکا در سکونت در امریکا وهم به واسطه شغل، افراد متعدد سر و کار داشته و دارم. من شاهد این بوده و هستم که چگونه رسانه‌های گروهی، جنگ تبلیغاتی به راه انداده و به شستشوی مغزی می‌پردازند. شاهد بوده‌ام که چگونه جور بوش هم پر، هم پرس و هم روح القوس (خنده حضار) از ۱۱ سپتامبر برای انحراف افکار عمومی استفاده کرده‌اند تا به مقاصد عدالت اقتصادی خود برسند. به راه اندادخانه جنگ یکی از راههایی است که به این منظور است.

نیکولا: احساسات ضد عرب - ضد اسلام در جامعه آمریکا را تجربه کرده‌اید؟

سعد اوی: پس از ۱۱ سپتامبر، هزاران نفر بدون دلیل به زنان‌ها اندادخانه شده اند و بدون محاکمه در اسارت اند. در نتیجه آن چیزی که اصطلاحاً "دکمراشی آمریکایی" نامیده می‌شود، به خوبی افشا شده است. غیر قابل تصور است اگر بدانید که مثلاً در فرودگاه‌ها چگونه افرادی را که نامشان محمد است، بازرسی می‌کنند. این جو عمومی است. البته از سوی دیگر باید یاد آور شویم که به موازات این جو، در بسیاری از مراکز آموزشی، مخالفت با جنگ رو به افزایش است. جنبش ضد جنگ و ضد گلوبالیزا-سیون روز به روز وسعت می‌یابد و اکثر نیروهای افغانستانی، جوانان تشكیل می‌دهند. طی ماههای اخیر تظاهرات‌های وسیعی علیه گلوبالیزا-سیون در افغانستان، فلسطین و علیه گلوبالیزا-سیون برگزار شده است. لذا می‌توان گفت یکی از عاقب مثبت ۱۱ سپتامبر، رشد جنبش اعتراضی زنان،

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
برای نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه  
دوستان و اشتایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K.A.R آلمان

Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

طريش  
Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

M . A . M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

کانادا  
K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
نیز واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

شماره‌های فکس

## سازمان فدائیان (اقلیت)

••ΣΣΛΣΩΛ•• ٢١٩٩

Digitized by srujanika@gmail.com

.....ΕΣΑΥ.ΙΣΛΑΜΕ

## بنیاد گرایی مذهبی و جنگ

میزگردی باشرکت نوال سعداوي و شریف حطاط

سال ۱۹۸۵ بود که قانوننابه رسیمیت‌شناخته شدیم. پس از آن، حملات علیه ما به طرق دیگر ادامه یافت. به طور مثال در سال ۱۹۹۱ ما مجبور شدیم، دفتر انحصار را به خاطر نقطه نظرات تمام علیه جنگ خلیج، تعطیل کینم. چرا که ما به طور مثال دیوار چینی بین زنان و جنگ بین زنان و مشکلات اقتصادی و نظامی نکشیدیم. درنتیجه باید بگوییم که انجمان همیستگی با زنان عرب (ASWA) تنهایی خشونت علیه زنان یا ختنه زنان به مبارزه دست نزد ASWA بر رابطه بین ختنه زنان و سیاست خارجی امریکا در منطقه انگشت گذارد و آن را افشا کرد: یعنی تقویت نیروهای بنیادگرای در منطقه از سوی امریکا، از سوی ما محکوم می‌شد. از همین رو ازما خواسته می‌شد که فقط به "مسنله زنان" بپردازیم و از "دخلالت در سایر امور" ب‌حد ناشم.

نیکولا : تعداد اعضا ASWA در جهان عرب را ذکر کنید.

سعداوي: به رغم متنوعیت فعالیت در مصر ما هزاران عضو در کشورهای عربی داریم و حتا اعضاء دیگری در سایر نقاط جهان داریم. امروزه زنان جوان عرب، کشش بیشتری به مبارزه دارند و فعال ترند. در کنار آنها نسلی از زنان فعال و مجبوب هست که نقش مردی نسل جوان را دارد. یک نکته قابل توجه‌ای است که در سیاری از کشورهای عرب، سیاری از اعضاء ما آگاهانه تن به ازدواج قانونی نداده‌اند چرا که با قوانین زن سنتی خانواده در این کشورها سرستیز دارند و به نحوی مخالفت خود را به نهادش می‌گذارند.

**نیکولا:** آقای شریف، شما در نوشه های خود از "شکستن پوسته انگلیسی" خود سخن می گویند. شما مادرتان انگلیسی است و در سیستم انگلیس تحصیل کرده اید. آیا فکر می کنید، تجربه فوق موجب فعالیت شمادر طیف نیروهای چپ مصر شده و به عبارتی از پوسته "مردسالاری" فاصله گرفته اید؟

شریف: وقتی شماشروع به "شکستن پوسته" های دست و یاگیر می کنید، تمامی ندارد. حتاً فاصله گرفتن از این پوسته‌ها، معیاره‌احتا به مرور آسان تر نیزمی‌گردد. البته من معتقدم آگاهی در زمینه امور مربوط به جنسیت، پروسه‌ای بسیار دشوار و طولانی است چرا که ریشه در تاریخ تربیت، جامعه، فرهنگ و . . . دارد. در واقع پروسه آگاهی و خود آگاهی دائمی است. برای مردان به معنای فاصله گرفتن

صفحه ۷

## پست الکترونیک E-Mail:

[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)

KAR

## **Organization Of Fedaian (Minority)**

No.395 dec 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی